

نماز

از دیدگاه دانشمندای بزرگ دنیا

حسنعلی میرزابیگی

www.kerab.ir

نماز دیدگاه دانشمندان بزرگ دنیا

استاد حسنعلی میرزاییکی

ناشر: فراگفت

ناشر همکار: آفرینه، توسعه قلم، قلم نگار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

صفحه آرای: سهیلا گرته زاده - زهرا حسن خانی

طرح جلد: فاطمه صادق منش

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۳-۷۷-۲

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ می باشد.

میرزاییکی، حسنعلی

نماز از دیدگاه دانشمندان بزرگ دنیا، نوشته حسنعلی

میرزاییکی، نشر فراگفت، قم، ۱۳۹۰

۱۲۸ ص ISBN-978-600-5553-77-2

فهرستبوسی براساس اطلاعات فیبا

۱. نماز، ۲. نظریات دانشمندان، الف. عنوان

۲۹۷/۹۷۳ BP/۲۷/۲۵/۲۴۳

کتابخانه ملی ایران

قم: خیابان سمیه، قبل از میدان رسالت، پلاک ۱۰

۰۹۱۲-۳۵۱۹۲۵۵ • ۰۲۵۱-۷۷۳۶۹۷۰

مرکز پخش آفرینه: ۰۲۵۱-۷۷۳۳۵۳

سایت: Faragoftpub.com

آدرس الکترونیکی: fara.goft@yahoo.com

۱۳		مقدمه
۱۵		پیشگفتار
۲۱		عبادت و نماز
۲۶		آن گم شده
۳۲		نقش نماز در بهداشت روانی فرد
۴۴		نگاه تاریخی به پرستش خدای بزرگ
۵۸		قضاوت را به عقل می سپاریم
۵۹		تفاوت تاریخی نماز در ادیان گذشته
۶۶		فواید جسمانی نماز
۷۵		از کجا شروع کنیم؟
۸۵		عبادت باید دارای چه ویژگی هایی باشد؟
۸۵		شرایط نماز خواندن
۸۵		۱. آگاهانه باشد
۸۶		۲. عاشقانه باشد
۸۹		۳. عبادت باید خاشعانه باشد
۹۱		۴. خالصانه باشد
۹۳		۵. مخفیانه باشد
۹۴		نماز به عنوان یک پشتوانه اعتماد به نفس در انسان
۹۸		نماز از دیدگاه معصومین:
۱۰۱		ضرورت دین در زندگی
۱۱۰		نقش دین در زندگی
۱۱۲		نقش نماز در درمان
۱۱۵		خُسن ختام
۱۱۷		منابع و مأخذ

تقدیم به روح مطہر دختر پاک پیامبر،

حضرت زہرای اطہرؑ

و تقدیم به روح پرفتوح شہید بزرگوار،

سید مصطفیٰ لطیفی.

بر خود لازم می‌دانم از سرکار خانم زہرا

نصرالله‌پور مدیریت محترم دبیرستان

فرزانگان شهر آبادان تشکر نمایم کہ انگیزه

نوشتن این کتاب را فراهم آورد و بحث

«بہداشت روانی نماز» را مطرح نمود.

اگر نماز نبود، مسلمان چه گونه انسانی
می شد؟! صبح تا ظهر سر کار می رفت، ظهر
ناهار می خورد تا شب، آن گاه شامی و
خوابی روز بعد هم همین طور الی آخر.^۱



خدایا! مرا ببر! خسته شده ام! قلب شکسته ام قابل التیام نیست. اقیانوسی از
شکست، آتش فشانی از درد، آسمانی از تنهایی مرا احاطه کرده است. روح
حساسم را کسی درک نمی کند و من نمی خواهم، هرگز نمی خواهم کسی
مرا درک کند، ابداً انتظار ندارم که با کسی راز دل بگشایم. سوخته ام،
مرده ام، دلشکسته ام، پژمرده ام، بگذار از دنیا بگذرم! بگذار دنیا را سه
طلاقه کنم. بگذار از همه خوبی ها و لذت ها و پیروزی ها و امیدها و
آرزوها بگذرم...!

خدایا! تو می دانی که تار و پود وجودم با مهر تو سرشته شده است. از
لحظه یی که به دنیا آمده ام نام تو را در گوشم خوانده اند و یاد تو را بر قلبم

۱. کاظم عابدینی مطلق، هنر عشق ورزیدن به خدا، فراگفت.

گروه زده‌اند. تو می‌دانی که در سراسر عمرم، هیچ‌گاه تو را فراموش نکرده‌ام. در سرزمین‌های دوردست فقط تو در کنارم بودی. در شب‌های تار، فقط تو انیس دردها و غم‌هایم بودی. در صحنه‌های خطّ مقدّم فقط تو مرا محافظت می‌کردی. اشک‌های ریزانم را فقط تو مشاهده می‌ نمودی. بر قلب معجروحم فقط یاد تو و ذکر تو مرهم می‌گذاشت.

خدایا! تنهایم. گفتنی‌های زیاد بر دل دارم، ولی قلب محرمی ندارم که برایش بازگو کنم. غم‌ها و دردها بر دلم انباشته می‌شود، ولی کسی نیست که آنها را شماره کند. مدام در آتش سوزان عشقت می‌سوزم، هر کس که به من نزدیک شود، وجودش به آتش کشیده می‌شود! قلب شکسته و دیوانه مرا کسی تحمّل نمی‌کند. روح سرکش و بلندپرواز مرا کسی همراهی نمی‌نماید.

ای اشک مقدّس! سلام! سلام! خالصانه مرا بپذیر، تو ای اشک عصاره وجودی! تو آتش‌فشان قلب سوزانی که می‌جوشی و می‌سوزی و در دیدگاه انسان به عالم وجود قدم می‌گذاری. ای اشک! ای انیس شب‌های تار من! ای آن که در اوج صعود به سوی معراج مرا همراهی کردی! ای آن که مرا ذوب کردی و کیمیا صفت وجود خاکی‌ام را به خدا رساندی! ای آن که مرا سوزاندی و خاکستر وجودم را در کهکشان‌ها پخش کردی! ای آن که مرا نیست کردی از خودخواهی و خودبینی نجاتم دادی، مرا به مرحله فنا رساندی که جز خدا نبینم. جز خدا نگویم و جز خدا نخواهم و...

إلهی کفی بی فخرًا آن اکون لک عبداً وَ کفی بی عزّاً أَنْ تَكُونَ لی رَبّاً؛
خدایا! این افتخار مرا پس که بنده‌ات باشم و این عزّت مرا کافی که تو پروردگار من باشی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ ابْنِهَا وَ بَغْلَهَا وَ نَبِيِّهَا
بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ؛

خداوند! بر فاطمه و پدرش و همسر و پسرانش
به تعداد آنچه که دانشت بر آن احاطه دارد، درود فرست. [آمین]



دانشمندان، اندیشمندان، عالمان بسیاری توصیه‌های لازم درخصوص
نماز و فواید آن نوشته‌اند، اما در این کتاب به لطف و عنایت الهی بنا دارم
با استعانت از خداوند بزرگ در زمینه‌های روان‌شناسی نماز صحبت کنم،
زیرا هر اندازه در این مورد نوشته و گفته شود، هرگز حق مطلب ادا نخواهد شد.
بنابراین باید کسانی که دستی بر قلم دارند و آنهایی که از قدرت تجزیه و تحلیل
مناسبی برخوردارند، برای نسل تشنه امروزی بنویسند و بگویند زیرا هنوز راه
زیادی تا شناخت این پرواز بزرگ الهی مانده است.

خدایا! من کوچک بودم، بزرگم کردی؛ ذلیل بودم، عزتم بخشیدی؛ جاهل بودم،
مرا عالم ساختی؛ گرسنه بودم، مرا پوشاندی؛ گمراه بودم، هدایتیم کردی؛ فقیر
بودم، بی‌نیازم نمودی؛ مریض بودم، شفایم بخشیدی؛ کنجکاو بودم، خطایم
را پوشاندی؛ پس در برابر اینهمه بزرگواری‌ها، تکلیف بنده‌ی کوچک چیست؟!

◀ آیا تا به حال فکر کرده‌ایم!

- چرا انسان در آسمان‌ها پرواز می‌کند، ولی هنوز حیران و سرگردان است؟
- چرا انسان امروزی شبانه‌روز دیوانه‌وار به این سو و آن سو می‌برد، ولی باز حیران است؟
- چرا علی‌رغم پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها و امکانات، هر روز از عمرش کم می‌شود؟
- چرا با بهترین امکانات، دستخوش تزلزل روحی گردیده است؟
- چرا با وجود فراهم کردن زندگی آسوده و مرفه، دچار رنج و مشقت و تشویش می‌باشد؟
- چرا با زندگی فریبنده ظاهری، دچار غم و اندوه و ناامیدی گردیده است؟
- چرا با در اختیار داشتن مزایای زندگی مادی هر روز افسرده‌تر و بیمارتر می‌شود؟
- چرا با تمام پیشرفت‌های علم پزشکی، روز به روز بر میزان سکنه‌ها و جوان مرگی‌ها افزوده می‌شود؟
- چرا با وجود غرق شدن در رفاه، هر روز از هموعان خود بیگانه‌تر می‌شود؟
- چرا به همه ابعاد مادی زندگی رسیده، ولی خودش احساس تنهایی می‌کند؟
- چرا با همه داشته‌ها، از پدر و مادر و فرزند خویش، بیگانه‌تر می‌گردد؟
- چرا دروغ و دورنگی جای صداقت را گرفته است؟
- چرا دنیای کنونی در آتش آلام روحی و اضطراب می‌سوزد؟
- چرا انسان امروزی با داشتن هزاران داروی ساخته شده، برای تسکین آلام روحی و روانی خود مبهوت مانده است؟
- چرا با فشار سخت بیماری‌های روحی و روانی جسم و جانانش را نیز فدا می‌کند؟
- چرا با این همه ترقی و رشد علمی، به جان انسان‌های مظلوم افتاده، می‌کشد و لذت می‌برد؟
- چرا با داشتن تمام امکانات، از خوردن نان جویده مظلومان احساس لذت می‌کند؟
- چرا با مرفه‌ترین زندگی به راحتی اقوام خود را به بند اسارت و زندان و تباهی می‌کشد؟
- چرا با همه چراها، هیچ چرایی برای ادامه حیات ندارد؟

- چرا به بهانه‌های وامی، خون انسان‌ها را به ناحق می‌ریزد و کف زنان شادی می‌کند؟
- چرا با وجودی که طعم بهترین غذاها را می‌چشد، بیماری‌هایش ده‌ها برابر افزون شده است؟

چون تنها روزنه‌یی که می‌تواند آلام و ناراحتی‌های روحی و روانی را از وجودش بزدايد، یعنی ایمان داشتن به خدا را به عنوان قدرتی مافوق انسانیت از دست داده است.

نماز تنهاترین حالتی‌ست که به بهترین وجه می‌تواند تنهایی بیکران انسان را به نمایش بگذارد؛ زمانی می‌توان به عظمت تنهایی وقوف یافت که در برابر عظیم‌ترین نیروی هستی و فناپذیرترین شکل وجود قرار گرفته باشیم، بی‌نهایت کوچک و تنها در برابر بی‌نهایت بزرگ.^۱

۱. کاظم عابدینی مطلق، هنر عشق ورزیدن به خدا، فراگفت.